

می خواستم یک باره دیده شوم

گفت وگو با عباس رثایی، بازیگر با سابقه تئاتر مشهد که با شرکت در برنامه

«عصر جدید» توجه بسیاری را به خود جلب کرد

غلامرضا زوزنی
r.zouzani@shahrararnews.ir

از لحظه‌ای که پایش را توی تجربه شهرآرا گذاشت مدام تلفنش زنگ می‌خورد. افراد گوناگون با او تماس می‌گرفتند یا پیام می‌دادند. حتی می‌گفت از خانه که راه افتاده تار سیده است به روزنامه کلی آدم جورواجور، توی این وضعیت کرونایی او را به آغوش کشیده‌اند و بوسیده‌اند و با او عکس یادگاری گرفته‌اند و از اجرایش در «عصر جدید» تعریف کرده‌اند. اتفاقاتی که در این بیست و چند ساعت بعد از بخش برنامه عصر جدید برای عباس رثایی افتاده است، شاید در تمام بیست و چند سالی که از فعالیت هنری‌اش گذشته رخ نداده باشد. این بازیگر با سابقه تئاتر مشهد، که تنها حضورش در جشنواره‌های فرهنگی و هنری به ۱۵ سال پیش برمی‌گردد و خیلی اهل جشنواره نیست غافل گیرانه در قاب تلویزیون و روی صحنه برنامه پرمخاطبی همچون «عصر جدید» پدیدار می‌شود و پنجمین اجرا از هفدهمین قسمت این برنامه را به خود اختصاص می‌دهد. او در برنامه‌ای که شبیه شب از شبکه سه پخش شد پای برهنه و با دوتا چهارپایه

جوبی یک دستگاه ضبط قدیمی چند دقیقه از نمایش یک‌ساعته را اجرا کرد که منتشش را جمشید خانیان، نمایشنامه‌نویس نامدار آبادانی، نوشته بود.

او در این اجرا علاوه بر روایت قصه شهدای غواص، توانایی، تبحر و تجربه خود را در عرصه بازیگری به نمایش گذاشت. تخصصی رثایی در هنرهای نمایشی، اجرای مونولوگ و خیابانی است. او تا اکنون نزدیک به ۳۰ اجرای صحنه‌ای داشته که ۱۱ اجرا مونولوگ بوده است؛ صدها اجرای خیابانی داشته و در ۱۲ سال اخیر تجربه‌های ارزشمندی در زمینه سیاه‌بازی داشته است و شاید بی دلیل نباشد که همواره از علی آزادنیا، خسروثانی‌فرد و اصغر لشکری به عنوان استادان بازیگری خود به نیکی و بزرگی یاد می‌کند.

رثایی در طول گفت‌وگو بارها اسم روزبه معینی، سروش حیدری، امیر تهرانی و حامد زحمت‌کش، از عوامل «عصر جدید» را به زبان می‌آورد و از آن‌ها تشکر می‌کرد. همچنین از احسان اصولی، عضو شورای اسلامی شهر مشهد، سید احمد هاشم‌آبادی، رئیس موسسه

تهران رفت.

● **با توجه به اینکه این متن را پیش‌تر روی صحنه تئاتر به صورت کامل اجرا کرده بودید آیا برای اجرا در «عصر جدید» تمرین هم داشتید؟**

از ساعت ۸ شب تا ۳ صبح صحنه را برای تمرین در اختیار من گذاشته بودند. برای کار با دوربین تمرین کردم. حامد زحمت‌ش یکی از کارگردان‌های عصر جدید در این میان خیلی برای من زحمت کشید. خانواده‌اش را رها کرده بود و به من کمک می‌کرد. نحوه ارتباط گرفتن با دوربین‌ها و میزانشن و ... را با من تمرین می‌کرد. خیلی کار دشواری بود. روزبه معینی هم در این برنامه به من خیلی کمک کرد و جنس بازی‌ام را دوست داشت.

● **خب، شما یکی از هنرمندان با سابقه تئاتر مشهد هستید، در مدت حضورتان در برنامه عصر جدید در کاری که انجام می‌دادید تردید نکردید؟**

تمرین‌ها و عرق ریختن‌ها در برنامه من را از یاد ر نیاورد. اجرا جلوی داورها و تماشاگرها و حتی استرس اینکه قرار است ده‌ها میلیون بیننده اجرای من را ببینند اذیت‌م نکرد. اتفاقا من آدم جسوری هستم. هرچه تماشاچی بیشتر باشد قدرتم بیشتر می‌شود. آن چیزی که خیلی من را به هم ریخت، نگرانی این بود که نکند دارم کار غلطی انجام می‌دهم. این حس بدی به من القا می‌کرد. دقیقا شب و روز ضبط برنامه به خدا می‌گفتم از حذف شدن ناراحت نمی‌شوم اما نگران اعتبارم هستم. حس عجیبی بود. رفتن به رأی مردمی در دور مقاماتی برایم بد بود. برایم مهم بود رأی اول باشد. اتفاقا بعد اجرا از من پرسیدند خجالت نمی‌کشم که با مثلا یک دختر هفت هشت ساله یا جوان چهارده پانزده

ساله رقابت می‌کنم؛ پاسخ دادم من برای رقابت نیامده‌ام. هرچند که این حرف‌ها

پخش نشد. من به عنوان یک بازیگر طالب کشف و شهودم. تا دم مرگ دنبال یاد گرفتن. دیدید که در برنامه هم گفتم من بی‌سودام و هنوز اول راه‌م.

● **پس وقتی شما را به عنوان نفر اول معرفی کردند باید خیلی خوشحال شده باشید، آیا همین‌طور است؟**

نه به آن معنا، فقط خدا را شکر کردم که آبرویم را حفظ کرد. (بخش می‌کند) دعای خیلی‌ها در مشهد پشت سرم بود. این دعاها را حس می‌کردم. چون تنهایی رفته بودم غربت آنجا اذیت‌م می‌کرد. لحظه‌های عجیبی بود و به دلیل آن کشف و شهودی که داشتم برایم شگفت‌آور بود.

● **واقعیت این است که حضور شما با این سابقه در تئاتر مشهد در برنامه‌ای همچون «عصر جدید» غیرمعمول به نظر می‌رسد.**

● **با قضاوت همکارانتان چگونه برخورد می‌کنید؟**

بعد از پخش برنامه تا دم صبح پیام‌های محبت‌آمیز دوستان و همکارانم را در یافت می‌کردم. آن‌هایی که واکنش نشان نمی‌دهند خب حتما دوست ندارند. اما افرادی همانند احمد مینایی و دکتر محمدعلی لطفی مقدم دواستاد بازیگری، محمدرضا سپهیلی، محمدرضا محمدی، معاون فرهنگی، هنری اداره کل ارشاد استان، محمدرضا باباخانی، رئیس اداره هنرهای نمایشی استان و ... به من لطف داشتند. این افراد بیشتر من را به عنوان نماینده تئاتر استان و مشهد می‌دانند.

● **آیا این حضور اعتراضی به همه نادیده گرفته شدن‌ها در تئاتر مشهد بود؟**

کاملا شما فکر من را خوانده‌اید. به همین دلیل است که من از هم گروهی با دختر بچه هفت هشت ساله و پسر دوازده سیزده‌ساله ناراحت نیستم. من کلا آدم معترضی هستم. حالا بهتر است به جای واژه اعتراض کلمه انتخاب را به کار ببریم. این همه سال اعتراض کردیم

و جوابی نگرفتیم؛ حالا من انتخاب کردم که این‌طور کار کنم. من بالاخره باید یک جایی دیده می‌شدم، انتخاب کردم که اینجا و این‌طور دیده شوم. حالا که برنامه پخش شده برخی به من پیشنهاد تدریس تئاتر می‌دهند. منظورم این است که آن‌ها الان به چشم یک کسب و کار به من نگاه می‌کنند. در همه این سال‌ها هیچ کدامشان تحویل‌م نمی‌گرفتند. خودم بودم و خودم. البته این خاصیت زندگی است. مثلا همین روزبه معینی که ید طولایی در سینما دارد و در برنامه «عصر جدید» هم خیلی کمکم کرد، باور دارد خیلی از بازیگران سینما در همین سن و سال مطرح شدند و به من می‌گوید که این یک روند است که برای همه اتفاق می‌افتد و احتمالا الان نوبت من فرا رسیده است. امیدوارم افرادی همانند روزبه معینی، احسان علیخانی و ... که می‌توانند کمکم کنند.

● **فکر می‌کنید حضور در این برنامه نگاه‌ها را درباره شما در مشهد تغییر خواهد داد؟**

مشهد را کنار بگذارید. من همیشه گفته‌ام مشهد محلی خوب برای زایش هنر است اما پرورشگاه خوبی نیست. مشهد محدودیت‌های زیادی دارد. اما اگر من به جایی رسیدم، قطعاً از حمایت‌ها و امکانات همین شهر استفاده کرده‌ام. اما اوج گرفتن در مشهد ممکن نیست، مسئله این است

که تئاتر مشهد دچار باندبازی شده است. البته از ابتدا همین‌طور بود اما قبلا حرمت دارم، باعث شد این را انتخاب کنم. من خیلی‌ها مهم نیست.

● **فکر می‌کنید چقدر حضور در «عصر جدید»، باعث ورود شما به سینما و تلویزیون شود؟**

من آدم چغری هستم. باید نقش خوب به من پیشنهاد شود. اگر قرار است دیده شوم باید با یک نقش خوب این اتفاق بیفتد. من تنها تئاتری‌ای هستم که حتی یک ثانیه برای شبکه استانی بازی نکردم. دوست نداشتم. می‌خواهم یک‌دفعه دیده بشوم. برای همین ۲۰ سال رنج کشیدم. البته ممکن است دیده نشوم. آمادگی این راه هم دارم. نمی‌دانم که چه اتفاقی در آینده خواهد افتاد اما قصه «عصر جدید» خیلی متفاوت است. اینجا هنر یک بازیگر در کنار یک تردست، کم‌دین، خواننده، ورزشکار و ... مورد قضاوت قرار می‌گیرد. حتی ممکن است داوری کار من را با کار مشابهی که قبلا در جایی دیگر دیده مقایسه کند و بر اساس آن رأی بدهد. همان‌طور که برای اجرای من این اتفاق افتاد و سید بشیر حسینی گفت که قبلا کار فخری در باره شهیدای غواص دیده و آن را با کار من مقایسه کرده است. این اظهارنظر عجیب حسینی با اعتراض خانم رویا نونهالی روبه‌رو شد. این‌ها را البته در برنامه تلویزیونی پخش نکردند و حذف شد. اما این‌طور قضاوت می‌شویم. وقتی هم در برنامه‌ای این چنینی شرکت کردم قوانینش را پذیرفتم. همه چیز را به خداوند سپردم.

● **خودتان محتوا و مضمون اجرایتان را انتخاب کردید یا آن‌ها به شما گفتند؟**

نه من خودم انتخاب کردم. متن خودم

بود و به دلیل علاقه‌ای که به این متن داشتم و دینی که به شهدای جنگ دارم، باعث شد این را انتخاب کنم. من به این آدم‌ها مدیونم. برای همین این متن را انتخاب کردم. احساس می‌کنم اگر الان ناموسم در خیابان راحت راه می‌رود حاصل جانفشانی شهیداست. از روی علاقه‌ام به شهدا این متن را انتخاب کردم. تا الان هیچ القایی برای انتخاب متن وجود نداشته است. همچنین برای خیلی متفاوت با اجرای اولم خواهد بود و هیچ کسی به من نگفته است چه کاری را انجام دهم.

● **درباره شما می‌گویند که بازیگر توانمندی هستید؛ با وجود این دربار بازیگران کم توان تر زود خسته می‌شوید...**

همیشه هنرمندان تئاتر مشهد فکر می‌کنند کار کردن با من دردسر دارد در حالی که هرگز اتفاق نیفتاده که کاری از من خواسته شود و من از آن سر باز بزنم. وقتی کاری پولی ندارد سراغ من را می‌گیرند. در حالی که برای کارهایی که آدم‌های پول‌دار را سرکسبه می‌کنند و دستمزدهای آنچنانی می‌گیرند و یا به بازیگران تهرانی می‌دهند، سراغی از بازیگران توانمند مشهدی نمی‌گیرند. جرم من این است که در تهران نبودم که دیده شوم. اگر خاضعانه با من برخورد کنند من هم خاضعانه با آن‌ها رفتار خواهم کرد.

● **ممکن است در ادامه راه اتفاقی بیفتد که نگاه شما به همه این مسائل تغییر کند و حتی روی دیگران که شما را قضاوت می‌کنند هم موثر باشد**

هنوز که اتفاق نیفتاده است. هر وقت به وقوع پیوست دوباره با هم حرف می‌زنیم.

خوش درخشید و هر چند بسیاری از بازیگران مطرح و برجسته تئاتر

تلویزیون و سینما از بازی او در صفحات شخصی خود به‌خوبی یاد کردند، اما

همشهری‌هایش کمتر از او گفتند و نوشتند. این استعداد اکنون تمام تلاش

خود را می‌کند تا «شاه‌ریچارد» را در تهران و بعد از کرونا به اجرا بگذارد.

این استعداد در شنبه گذشته در صحنه پر مخاطب «عصر جدید» نقش غواص در نمایش «تکرار» را بازی کرد که به‌نوعی تکرار واگویی‌های بازیگران

با استعداد اما گننام تئاتر مشهد بود.

این استعداد در این عصر جدید استعدادیابی نشد. اوسال‌های پیش در خاک‌های صحنه شهری بی‌امکاناتی چون مشهد استعداد شده بود و در این

برنامه تلویزیونی فقط دیده شد.

او در آستانه ۴۰ سالگی، در حالی‌به مردم شهر و کشورش معرفی شد که

بگوید بعد از ۴ دهه‌درهای جدیدی در این عصر به‌رویش گشوده‌شده‌است.

پیام‌هنر او، تکرار درهای تئاتر شهرستان است که بارها نیز گفته شده است

که در تئاتر شهرهای این مرزوبوم، استعداد‌های فراوانی وجود دارد و تنها

باهمت و مدیریت‌جدی می‌تواند به‌مردمان این عصر حاضر شناخته‌شوند.

این استعداد بازیگری، حالا پس از سال‌ها غم‌نان و خون‌دل خوردن به تمام

مردم کشورم معرفی شده است.

خانم‌ها و آقایان! عباس رثایی!



عکس: آیدان کامران/رشته‌عصر جدید

روزنامه
شهرامسید
وزندگی

۲شنبه
۲ فروردین
۱۳۹۹
شماره ۳۳۳

۱۳



فرهنگ